

بررسی و تحلیل جایگاه رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران

محمدجواد نوروزی*

علی‌اکبر باقری**

چکیده

رهبری در جامعه اسلامی وظیفه هدایت معنوی مردم و اداره کشور را بر عهده دارد و هدایت کننده نهادهای حکومتی در مسیر اجرای صحیح قوانین اسلامی است. به همین دلیل، رهبری در حکومت اسلامی برعهده «ولی فقیه»، یعنی کسی است که کارشناس و صاحب نظر در مورد مسائل اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران در سه دهه گذشته رخدادهای مهمی را پشت سر گذاشته و از برهه‌های حساس و سرنوشت‌ساز با سربلندی عبور کرده است. بی‌تردید یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده در این مسیر، نقش رهبری در هدایت امور و تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. لذا در این مقاله به بررسی و تحلیل جایگاه رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی

رهبری، انقلاب اسلامی، امام خمینی، مقام معظم رهبری، تحولات، چالش‌ها.

* عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی. mohamadjavadnoroozi@yahoo.com
** دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشجوی دکتری مطالعات انقلاب اسلامی.

bbb.bagheri11@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۱۲

مقدمه

رهبری یک جنبش اجتماعی - به ویژه هنگامی که به یک انقلاب واقعی تبدیل شود - از مهم‌ترین عناصر و عوامل توفیق یا ناکامی آن جنبش و انقلاب است. در جریان شکل‌گیری و گسترش انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۰ با نهضت روحانیت آغاز شد، گرچه گروه‌ها، شخصیت‌ها و چهره‌های موجه و سابقه‌دار سیاسی کم و بیش حضور داشتند و حتی با برخورداری از پشتوانه‌های حزبی و گروهی و یا حمایت‌های تبلیغاتی خارجی، به رقابت با جریان اسلامی و رهبری امام خمینی علیه السلام برانگیخته شدند، ولی در یک مسیر تدریجی رو به شتاب، رهبری بلامنازع انقلاب، به شکلی بارز و برجسته، در شخص امام خمینی متبلور شد. در این پدیده قطعاً جایگاه فقهی و شأن مرجعیت امام علیه السلام و نیز خصوصیات معنوی ایشان بی‌تأثیر نبوده است، ولی هرگز نمی‌توان پیدایش این اجماع نخبگان و توده مردم را در چارچوب نظریه رهبری کارزماتیک به همین عوامل منحصر ساخت؛ بلکه عواملی همچون حقانیت و منطقی بودن مواضع سیاسی، صداقت و خلوص، قاطعیت و استواری، ارائه طرحی برای آینده، شیوه رهبری و توفیق عملی استراتژی مبارزه، در تکوین این رهبری مؤثر بوده و تحلیل واقع‌بینانه این روند تدریجی، نشان می‌دهد که شکل‌گیری رهبری بلامنازع امام علیه السلام، مسیری کاملاً منطقی و عقلانی داشته است.

رهبری انقلاب اسلامی در دوره بعد از امام خمینی از مهم‌ترین دغدغه‌هایی بود که هم امام علیه السلام و هم دیگر بزرگان انقلاب پیوسته نگران آن بودند. از این رو ارزش و اهمیت انتخاب قاطع حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) توسط مجلس خبرگان در روز ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ بیش از پیش مشخص می‌گردد. این انتخاب فرخنده، ضمانت‌بخش و تداوم دهنده آرمان‌های انقلاب، ارزش‌های اصیل اسلامی، استمرار خط امام خمینی علیه السلام و بالندگی و پویایی و اقتدار انقلاب اسلامی بوده است.

این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که تحولات اساسی انقلاب اسلامی در دوران پس از انقلاب چیست؟ و موضع رهبری نظام در قبال آنها چگونه بوده است؟ در این نوشتار برآنیم تا با تحلیل و بررسی جایگاه و مقام رهبری در نظام جمهوری اسلامی،

مهم‌ترین چالش‌ها و تحولات دوران رهبری امام و سپس مقام معظم رهبری را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و از این امر در ترسیم مسیر آینده انقلاب در حوزه‌ی رهبری بهره بگیریم. گرچه پیش از این آثاری چند در این حوزه منتشر شده اما انقلاب اسلامی و تحلیل تحولات آن، علی‌الخصوص در حیطه رهبری، امری است که پیوسته جای تأمل و تدبیر بیشتر و عمیق‌تر داشته و تحلیل این تحولات باعث بارور شدن اهداف و شفاف‌تر شدن امور مرتبط با انقلاب اسلامی و آینده آن، خواهد شد. در این تحقیق روش تحلیل داده‌ها و ابزار کتابخانه‌ای، مورد استفاده قرار گرفته است.

تحولات مقام و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی

رهبری بالاترین مقام سیاسی و معنوی در نظام جمهوری اسلامی ایران است و مسئولیت‌های متعددی را بر دوش دارد. وی هماهنگ‌کننده قوای مختلف مملکت و تعیین‌کننده سیاست‌های کلی نظام است.

رهبری در جامعه اسلامی وظیفه هدایت معنوی مردم و اداره کشور را برعهده دارد و هدایت‌کننده نهادهای حکومتی در مسیر اجرای صحیح قوانین اسلامی است. به همین دلیل، رهبری در حکومت اسلامی برعهده «ولی فقیه» است؛ یعنی کسی که کارشناس و صاحب‌نظر در مورد مسائل اسلامی است. اینکه یک اسلام‌شناس به عنوان رهبر در رأس حکومت اسلامی قرار گیرد، مسئله‌ای منطقی، عاقلانه و بدیهی است؛ ولی فقیه، شاخصه اسلامی بودن حکومت است؛ زیرا اگر حکومت، اسلامی نباشد هر کسی بدون داشتن تخصص در مسائل دینی و تنها با احراز توانایی اداره کشور، می‌تواند ریاست آن را در دست گیرد. اما هنگامی که نظامی بر پایه آموزه‌های اسلام شکل گیرد، مدیریت چنین تشکیلاتی باید بر عهده یک اسلام‌شناس و حقوقدان برجسته اسلامی باشد تا بتواند بر حرکت صحیح جامعه و حکومت در راستای آرمان‌های متعالی اسلام نظارت کند.

درباره معمار کبیر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی که با انقلاب اسلامی به مرد قرن معروف گردید، مطالب فراوانی را می‌توان ابراز کرد. حضرت امام علیه السلام جلوه‌ای از یک رهبری فراکاریزما ساخته بود. شاید بتوان گفت اندیشه سیاسی او متکی بر سه محور نفی

سلطنت، تبیین نظریه ولایت فقیه و نقد مشروطیت در حوزه کنار گذاشتن روحانیت، استوار بود. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱ / ۶۴)

درگیری‌های داخلی، تجزیه‌طلبی‌ها، کودتاها، آغاز جنگ تحمیلی، رفراندوم قانون اساسی، همه‌پرسی جمهوری اسلامی، تسخیر لانه جاسوسی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و بحران گروگان‌گیری، تشکیل شورای انقلاب، تشکیل دولت موقت بازرگان و استعفای آن، عزل بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس‌جمهور، ترورهای منافقین و حادثه انفجار حزب جمهوری اسلامی و ریاست‌جمهوری، شهادت سران انقلاب از جمله استاد شهید مرتضی مطهری، تعطیلی دانشگاه‌ها و آغاز انقلاب فرهنگی، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و آتش‌بس ایران و عراق، محاصره اقتصادی ایران، عزل آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری را می‌توان از مهم‌ترین حوادث و رخدادهای دوران رهبری حضرت امام خمینی ره برشمرد (درویشی سه‌تالانی، ۱۳۸۵: ۱۲۵ - ۴۰) که برخی از این وقایع را بررسی خواهیم کرد.

دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای مقارن با دوران بازسازی اقتصادی و نیز توسعه سیاسی بوده است: ریاست‌جمهوری ۸ ساله هاشمی رفسنجانی و سیاست‌های تعدیل اقتصادی، ریاست‌جمهوری ۸ ساله سید محمد خاتمی و سیاست‌های توسعه سیاسی، عملیاتی کردن صلح ایران و عراق، تشکیل رسمی مجمع تشخیص مصلحت نظام و نهایی کردن فعالیت‌های شورای بازنگری قانون اساسی، حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا، حوادث ۱۸ تیر ۷۸ دانشگاه، اشغال عراق و افغانستان توسط آمریکا، جنگ آمریکا علیه صدام در خلیج فارس، فتنه بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸، بیداری اسلامی در کشورهای عربی و چالش‌های متعدد دیگر را باید در زمره رخدادهای این دوران یاد کرد.

در جریان بررسی جایگاه و شأن رهبری و چگونگی مواجهه ایشان با امور جاری نظام، در قانون اساسی جمهوری اسلامی دو نهاد ویژه گنجانده شده که در این بخش به بررسی اجمالی آن دو می‌پردازیم.

مجلس خبرگان رهبری

مجلس خبرگان رهبری از نهادهای اساسی در نظام جمهوری اسلامی است. اهمیت فوق‌العاده

این مجلس از آنجاست که مطابق قانون اساسی، (اصل ۱۱۱ و ۱۰۷) وظایف مهم تعیین رهبر و نظارت بر استمرار شرایط رهبری را برعهده دارد. از این رو به همان اندازه که رهبری در نظام جمهوری اسلامی جایگاه بلندی دارد، نقش مجلس خبرگان نیز بسیار حساس و حیاتی است. در حقیقت مجلس خبرگان رهبری، مظهر و نماد جمهوریت و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی ایران است.

از آنجا که طبق قانون اساسی رهبری باید از لحاظ علمی و فقهت و همچنین تقوا و خودسازی جامع‌الشرائط باشد و تدبیر و تشخیص لازم را در حوادث مهم داشته باشد، بنابراین باید اعضای مجلس خبرگان از نظر علمی و فقهی متخصص و آشنا و دارای بینش سیاسی و اجتماعی باشند تا بتوانند رهبر را تعیین کنند.

خلاصه اینکه مجلس خبرگان رهبری، نقشی اساسی در حراست از سلامت و بقای نظام جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در عرصه رهبری و ولایت فقیه دارد.

مجمع تشخیص مصلحت

در اصلاحیه سال ۱۳۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نهاد جدیدی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام به نهادهای موجود مؤثر در تشکیلات حکومتی نظام جمهوری اسلامی ایران افزوده شد. اصل ۱۱۲ اصلاحی قانون اساسی تشکیل این نهاد و هدف از تشکیل آن را اعلام می‌دارد. این مجمع که به دستور رهبر و زیر نظر او تشکیل می‌شود و اعضای آن را معظم‌له تعیین می‌کند، علاوه بر اینکه عنوان بازوی مشورتی رهبر را دارد، در تصویب و تأیید نهایی قوانین اختلافی بین مجلس و شورای نگهبان نیز نقش دارد. این وظیفه مجمع، بسیار حساس و ظریف و پیچیده است.

قانون اساسی سال ۱۳۵۸ در خصوص شیوه حل مشکل در مواردی که اجرای احکام اولیه عملاً مقدور نیست چنین تمهید و توجهی نکرده بود. لذا در اجرای قانون اساسی مشکلاتی پدید آمد. بدین صورت که شورای نگهبان بنا به وظیفه قانونی خود پاره‌ای از مصوبات مجلس شورای اسلامی (که با احکام اولیه در تعارض بود) را خلاف شرع اعلام می‌کرد و لذا طرح‌ها و لوایح مورد نظر دولت که بعضاً بر مبنای مصالح و ضروریات و واقعیات موجود در جامعه فراهم

شده بود تصویب نمی‌شود. گاهی اوقات این مشکل حقوقی و مخالفت‌های شرعی توسط اشخاص مختلف با دید سیاسی نیز تعبیر و تحلیل می‌شد. امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبری انقلاب (که طبق اصل پنجاه و هفتم قوای سه گانه نیز زیر نظر ایشان قرار داشتند) در محدوده نهادهای سیاسی نظام سعی در حل این مشکلات کردند.

از نظر امام خمینی علیه السلام حفظ حکومت اسلامی اهمیت بسیار زیادی دارد و از احکام اولیه اسلام به‌شمار می‌رود، لذا در مواقع تلاقی اجرای حکم اولیه با مصالح نظام اسلامی، حفظ و مصلحت نظام مقدم است. لذا در تاریخ ۱۳۶۶/۱۱/۱۷ امام خمینی علیه السلام، فرمان تشکیل «مجمع تشخیص مصلحت نظام» را صادر کردند. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲ / ۱۲۶)

مقایسه و تطبیق برخی از چالش‌های دوران امام و رهبری انقلاب

اول: حضرت امام علیه السلام جمهوری اسلامی را بر پایه نظریه «ولایت فقیه» تبیین کرد. حفظ نظام را از اوجب واجبات خواند. فقه پویا و سنتی را نه در برابر و تقابل هم که مقوم یکدیگر برشمرد. توجه به مکان و زمان در صدور فتاوی یا همان احکام ثانویه و اولیه را نیز که نقشی بی‌بدیل در حل مشکلات داشت، باید از دیگر دیدگاه‌های نظری امام برشمرد.

آیت‌الله خامنه‌ای مبدع نظریه «مردم‌سالاری دینی» است که همان ترجمان جمهوری اسلامی است. ایشان این مدل را بهترین الگو برای اداره جوامع بشری می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند:

بنده اصرار دارم که به جای تعبیر دموکراسی از تعبیر مردم‌سالاری دینی و اسلامی استفاده شود. تعبیر دموکراسی یک تعبیر غربی و وارداتی است؛ تعبیری که به صورت دقیق و همه‌جانبه جز با همان فرهنگ غلط دور از معنویت تطبیق نمی‌کند و خودشان هم نشان داده‌اند که این فرهنگ و این خواسته عملی هم نیست.

نهیضت آزاداندیشی و برپایی کرسی‌های نظریه‌پردازی، اصلاحات اسلامی در برابر اصلاحات آمریکایی و تبیین دکترین سیاست خارجی بر پایه سه مؤلفه عزت، حکمت و مصلحت و لزوم اتحاد ملی و انسجام اسلامی در بحران را باید از ارکان و بنیادهای نظری

آیت‌الله خامنه‌ای برشمرد. (بیانات مقام معظم رهبری: ۲۸ / ۸ / ۱۳۷۹)

دوم: اوج بحران‌ها و چالش‌های داخلی دوره امام در کودتاها، تجزیه‌طلبی‌ها، خودمختاری‌ها، ترورهای سازمان منافقین، بحران‌سازی لیبرال‌ها و فتنه باند مهدی هاشمی و ارتباط با آیت‌الله منتظری که قائم مقام رهبری بود، تبلور یافت. تدبیر و طراحی امام برای مقابله با این بحران‌ها و خنثی کردن آن در مرحله اول، اطلاع‌رسانی و روشنگری و دعوت با موعظه بود. آنگاه که پاسخ مناسب دریافت نکرد، نکوهش و هشدار بود. در مرحله سوم، دعوت و فراخوان از مردم برای مقابله با توطئه‌ها بود.

در دوران رهبری مقام معظم رهبری هم باید از مسئله هسته‌ای، حوادثی هم چون حادثه کوی دانشگاه در ۱۸ تیر ۷۸ که رهبری آن را «جفا به دانشجو و ضربه از پشت بر خود» نامید، یاد کرد. رهبری انقلاب تلاش کرد چون مقتدای خویش حضرت امام علیه السلام، با نصیحت و موعظه، این افراطی‌گری را به حاشیه براند اما افسوس که گوش شنوایی وجود نداشت. رویکرد رهبری در برخورد با این چالش‌ها و بحران‌ها علاوه بر ارشاد و موعظه، چون همیشه دعوت از مردم برای حضور در صحنه بود. تظاهرات و راهپیمایی بزرگ و با شکوه ۳۳ تیرماه ۷۸ در سراسر کشور، نماد پیوند رهبری و امت بود.

سوم: یکی از چالش‌ها و بحران‌هایی که در عرصه بین‌المللی در دوره امام علیه السلام بروز کرد، مسئله «سقوط کمونیسم» در دوران گورباچف بود. امام این سقوط را قبلاً پیش‌بینی کرده بود و با اعزام هیئتی به سرپرستی آیت‌الله جوادی آملی، رهبر وقت شوروی را به اسلام فرا خواند. (نامه مقام معظم رهبری پیرامون کرسی‌های نظریه‌پردازی: ۱۳ / ۱ / ۱۳۸۱)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز سقوط و شکست لیبرال دموکراسی را نوید داد و مردم‌سالاری دینی را بهترین مدل برای اداره جهان برشمرد.

چهارم: از جمله بحران‌ها و چالش‌های کشور ترور فیزیکی سران و شخصیت‌های انقلاب بوده است. استکبار و ضدانقلاب وابسته به آن تلاش کردند تا میان مردم و سران انقلاب بی‌اعتمادی ایجاد کنند. شایعه‌سازی، دروغ‌گویی، برچسب‌های ناروا، اتهامات بی‌اساس اثر نکرد ترور سران انقلاب در دستور کار قرار گرفت. همه این حوادث و ترورها از جمله ترور

آیت‌الله مطهری، ترور آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای و... را امام با حکمت و تدبیر اداره و بحران‌ها را تبدیل به فرصت کرد و شرایط را برای خدمت‌گزاران مساعد ساخت.

رهبر عزیز انقلاب اسلامی نیز به تاسی از امام عظیم‌الشأن در چالش‌هایی که برای سران انقلاب و نظام به وجود آمد، با تدابیر خویش راهگشایی داشته‌اند. وقتی جریان افراطی و رادیکالیسم برآمده از دوم خرداد، به شدت به دنبال تخریب روشنگر زمانه آیت‌الله مصباح یزدی بود، ایشان فرمودند: «اگر شخصیت‌هایی مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری نیستند این شخصیت عزیز و عظیم‌القدر (مصباح یزدی) خلأ آن عزیزان را در زمان ما پر کرده است». (صنعتی، ۱۳۸۵: ۸۹)

پنجم: آمریکا و سیاست‌های استکباری آن از گذشته و حال در ادبیات امام و رهبری جایگاه خاصی داشته است. امام آمریکا را «ام الفساد قرن» و «شیطان بزرگ» نامید. هنگامی که آمریکا تهدید به قطع رابطه با ایران کرد، امام فرمود: «ای کاش این رابطه زودتر قطع شود» و زمانی که آمریکا اقدام به تحریم اقتصادی و سیاسی ایران نمود، باز امام خروش برآورد که: «ما فرزندان محرم و رمضان هستیم. ما را از محاصره اقتصادی نترسانید». بالاخره وقتی آمریکا تهدید علنی علیه ایران کرد، امام فرمود: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰ / ۵۱۶)

مقام معظم رهبری نیز راهبردی مشابه امام در برابر آمریکا اتخاذ کرد. رهبری بارها آمریکا را «مظهر فساد و خودخواهی» معرفی کرد. هنگامی که آمریکا از تهدید علیه ایران سخن گفت، ایشان فرمودند: «ما در برابر متجاوزان رفتاری حسینی خواهیم داشت». زمانی که برخی از مذاکره و رابطه با آمریکا در داخل ایران سخن می‌گفتند، رهبری گفت: «مذاکره و رابطه با آمریکا تا زمانی که این کشور دست از خبائثت بر ندارد، به مثابه کوچه بن‌بست است».

امام و رهبری هیچ‌گاه شائبه «توهم توطئه» را پذیرا نشدند و همواره بر نقش عوامل و دشمنان خارجی تأکید کردند و «حفظ اتحاد مسئولان» و «وحدت مردم» را بزرگ‌ترین راه مقابله با توطئه‌ها و دفاع از انقلاب و نظام برشمردند.

امام و رهبری توطئه سازمان‌یافته جدایی‌دین از سیاست را رسوا و بر جدایی حوزه و

دانشگاه خط بطلان کشیدند. مردم سالاری دینی که جمهوریت و اسلامیت آن در قالب جمهوری اسلامی تبلور یافت، مدل تام و تمام اداره کشور شد و مواردی چون «سلطنت شیعی»، «خلافت اسلامی»، «حکومت اسلامی»، «جمهوری دموکراتیک اسلامی» را برنتابیدند. امام و رهبری همواره «حوزه و روحانیت» را برای پاسخ به شبهات دینی و لزوم نظریه پردازی دینی فرا می خواندند و بر مقتضیات زمان در صدور فتاوا تأکید داشتند.

رهبری امام خمینی علیه السلام

پس از پیروزی هر انقلاب، رهبران انقلابی باید از عهده رسالت تاریخی خود یعنی سروسامان دادن به روند جاری انقلاب برآیند. از دیدگاه اندیشمندان سیاسی، رهبران انقلابی موفق، واجد دو خصلت اساسی هستند: زیر سؤال بردن ساختار سیاسی پیشین و سپس ارائه راهکاری عملی برای سازمان دادن به جو انقلابی موجود و تبیین الگویی جدید برای ساختار سیاسی تحول یافته. با مروری اجمالی بر تحولات سیاسی دو سال ابتدایی و حیاتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، می توان دو خصلت مذکور را در شیوه رهبری امام خمینی به عنوان رهبر مذهبی و سیاسی انقلاب اسلامی ایران، به خوبی مشاهده کرد. در واقع مدیریت صحیح، تدبیر، بهره گیری از نظرات مشورتی بزرگان انقلاب و از همه مهم تر شجاعت از خصوصیات بارز امام بود. ایشان با تأسیس نهادهایی چون شورای انقلاب، کمیته های انقلاب، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دادگاه های انقلاب و ...، از هرج و مرج طبیعی پس از انقلاب جلوگیری کرد. همچنین با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس، برای تثبیت جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد و در زمانی که هر گونه اختلاف و چندگانگی در میان مسئولین کشور، آفتی در راه تحکیم انقلاب اسلامی به شمار می آمد، به محض بروز اختلافات، مسئولین و گروه های سیاسی را به «وحدت کلمه» دعوت کرد.

امام خمینی علیه السلام یک انسان کامل و تربیت شده مکتب اسلام و یک بنده واقعی خداوند بود و در همه امور بر مبنای وظیفه خود عمل می کرد. مبارزه با رژیم طاغوتی محمدرضا شاه و تشکیل نظام اسلامی توسط ایشان در همین راستا قابل تحلیل است. ادامه جنگ و پایان آن در سال ۶۷ نیز به همین دلیل بود.

به طور خلاصه، امام خمینی علیه السلام یک اندیشمند بزرگ و تاریخ‌ساز، معتقد به دینی شدن سیاست و نظریه‌پرداز و فرمانده انقلاب و معمار نظام جدید بود که با برنامه‌ریزی دقیق و تنظیم شایسته راهبردها و تاکتیک‌های حرکت انقلاب و اعتماد به نفس فوق‌العاده و اراده پولادین خود توانست با سرعت رژیم وابسته پهلوی را سرنگون و نظام جمهوری اسلامی ایران را بنیاد نهد.

برخی چالش‌های دوران امام خمینی

۱. دولت موقت

در بحبوه انقلاب و زمانی که امام خمینی علیه السلام در پاریس حضور داشتند، سؤالی بنیادین برای تمام گروه‌ها، جریان‌ها و اقشار مختلف مردم مطرح بود و آن شکل و نوع رژیم آینده کشور بود. امام نیز همواره پاسخی کوتاه اما عمیق و جدی داشتند. پاسخ امام «رژیم جمهوری اسلامی» بود. اما رسیدن به جمهوری اسلامی احتیاج به انجام مقدمات و گذر از مراحل داشت و با توجه به شرایط و موقعیت‌ها بلافاصله امکان‌پذیر نبود. از سوی دیگر با سقوط رژیم نیز امکان جابه‌جایی سریع تمامی نهادها و ساختارها غیرممکن بود و این امر نیاز به زمان و از آن مهم‌تر، احتیاج به عبور از مجاری قانونی داشت و می‌بایست در عین حالی که به امور روزمره مملکتی سامان داده می‌شد، انتخابات و رفراندومی صورت می‌گرفت تا قانون اساسی تهیه و تصویب شود.

در چنین اوضاع و شرایطی بود که ایده تشکیل «دولت موقت» مطرح شد و امام خمینی علیه السلام پس از خروج شاه از کشور طی پیامی ضمن تبریک فرار شاه به مردم فرمودند: «دولت موقت برای تهیه مقدمات قانون انتخابات مجلس مؤسسان به زودی معرفی می‌شوند و به کار مشغول خواهند شد. وزارتخانه‌ها موظف هستند که آنان را پذیرفته و با آنان صمیمانه همکاری کنند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۳ / ۱۴۲)

پس از بازگشت امام به تهران و مطرح شدن بحث تعیین نخست‌وزیر دولت موقت، شورای انقلاب طی جلسه‌ای در چهاردهم بهمن ۱۳۵۷ پس از رایزنی و مشورت، مهدی بازرگان را به عنوان کاندیدای نخست‌وزیری مطرح کردند و مورد تأیید امام قرار گرفت.

به هر تقدیر مهندس بازرگان در آن شرایط به عنوان نخست‌وزیر تعیین شد و پس از آن کابینه خود را تشکیل داد. اما بازرگان و اعضای کابینه وی که اکثریت آن از اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی بودند اختلاف عقیدتی و ایدئولوژیک بنیادین با رهبری انقلاب داشتند و سرانجام در پی حادثه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در آذر ۱۳۵۸ دولت بازرگان سقوط کرد و نیروهای مذهبی و انقلابی، به خصوص روحانیان به تدریج اداره کشور را به دست گرفتند. در مورد دلایل اصلی توفیق نیافتن دولت موقت می‌توان به طور خلاصه به مواردی اشاره کرد از جمله: معتقد نبودن به ارزش‌ها و مشی انقلابی، تفاهم نداشتن با رهبری انقلاب، معارضه‌جویی با نهادهای انقلابی و... (اسماعیلی، ۱۳۸۰: ۱۲۸)

۲. تسخیر لانه جاسوسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و آشکار شدن توطئه‌های طراحی شده در کشور و به وجود آمدن مشکلات متعدد در بین سطوح مختلف جامعه، نوبت به قشر فعال و آینده‌ساز کشور یعنی دانشجویان انقلابی رسید که با پیروی از بیانات دیده‌بان این نهضت به مقابله با دسیسه‌چینی و خیانت‌های سفارت آمریکای منحوس بیردازند. دانشجویان خط امام و انقلاب در سیزده آبان سال ۱۳۵۸ با تصرف و دستگیری عوامل سفارتخانه آمریکا در تهران و کشف مدارکی از جاسوسی و خیانت‌های این سفارتخانه کمک بزرگی به حرکت انقلاب کردند. (شاه‌علی، ۱۳۸۵: ۱۲۸)

حضرت امام علیه السلام و نیروهای انقلابی پس از اطلاع، این عمل را به شدت مورد تأیید و تمجید قرار دادند و از آن حمایت کردند. این حرکت شجاعانه و انقلابی دانشجویان از سوی امام راحل «انقلاب دوم» لقب گرفت؛ در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی استبداد داخلی و با تسخیر سفارت آمریکا، استعمار از ایران ریشه‌کن شد. مردم ایران نیز که سال‌ها زیر چکمه‌های دژخیمان آمریکایی خود را لگدمال شده می‌دیدند با شنیدن این خبر گروه گروه به سوی آن شتافتند و با راهپیمایی که تا ماه‌ها جلوی سفارت ادامه یافت، این اقدام را تأیید کردند. اما سران دولت موقت از این عمل انقلابی انتقاد کردند و کار به آنجا رسید که دولت موقت استعفا داد.

از رفتار امام در مواجهه با تسخیر لانه جاسوسی می‌توان چند مورد را استنتاج کرد: استبداد و استکبارستیزی توأمان و ضرورت هم‌زمانی آن دو، تکیه و اعتماد نکردن به بیگانگان، اولویت دادن به منافع کشور و حفظ نظام، واگذاری حل مسئله به مجاری قانونی، دقت و صراحت در اعلام موضع و بالاخره قاطعیت و شجاعت در اعلام موضع. (درویشی سه‌تالانی، ۱۳۸۵: ۵۷ - ۵۱)

۳. مسئله بنی‌صدر

مسئله بنی‌صدر نیز از جمله مواردی است که امام خمینی در زمان خاص خود، به بهترین شکل با آن برخورد کرد. زمانی که بنی‌صدر توانست رأی مردم را در انتخابات ریاست‌جمهوری به‌دست آورد، حکم او را در بیمارستان تنفیذ کرد و در عین حال به او تذکر داد تا ما بین قبل و بعد از ریاست‌جمهوری، در اخلاق روحی‌اش تفاوتی ایجاد نشود. هنگامی که بنی‌صدر، حجت‌الاسلام سید احمد خمینی را برای پست نخست‌وزیری برگزید، با این مسئله مخالفت کرد و در نهایت هنگامی که از اهداف اصلی انقلاب اسلامی دور شد و مجلس نیز رأی به عدم کفایت سیاسی او داد، بنی‌صدر را از ریاست‌جمهوری اسلامی ایران، عزل کرد.

بررسی شیوه برخورد امام خمینی با جریان‌ات پیش آمده از آغاز ریاست‌جمهوری بنی‌صدر تا زمان عزل او، از تلاش ایشان برای دخالت نکردن در مسائل مختلف و اختلافات موجود کشور تا حد امکان حکایت دارد.

ایشان در مواجهه با شرایط حادی همچون مسائل به وجود آمده پس از واقعه ۱۴ اسفند ۵۹ از دخالت مستقیم خودداری کردند و حل موضوع را به یک شورای سه نفره واگذار کردند. در عین حال از نمایندگان خود در این هیئت می‌خواستند تا گزارش اقدامات و روند پیشرفت امور را به اطلاع ایشان برسانند. سرانجام امام در اوج فضای اتهام‌زنی که بنی‌صدر از ابتدای سال ۱۳۶۰ ایجاد کرده بود، او را از فرماندهی کل قوا عزل کرد و تصمیم نهایی در خصوص وی را به مجلس شورای اسلامی واگذار کرد و پس از تصمیم مجلس نیز او را از سمت ریاست‌جمهوری عزل کرد.

۴. جنگ تحمیلی

بروز جنگ تحمیلی در بامداد انقلاب، دوران دیگری را در رهبری امام خمینی پدید آورد. ملت

فداکار ایران که به تازگی از استبداد داخلی رهیده بود و می‌رفت تا بشارت‌های جمهوریت و اسلامیت را تجربه کند، با جنگی ناخواسته روبه‌رو شد. ناکامی‌های گذشته، این آموزه را خاطرنشان می‌ساخت که فقط در پرتو اندیشه‌های زندگی‌ساز اسلام و رهبری زمان‌شناسانه و پارسایانه می‌توان بر نظام سلطه و فریب چیرگی یافت.

مقبولیت و محبوبیت امام خمینی علیه السلام در انسجام و وحدت اقشار مختلف مردم و بسیج آنان برای حضور در جبهه‌های نبرد، نقش مهمی ایفا کرد و زمانی که مصلحت ایجاب کرد، شجاعانه قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد و آتش‌بس با عراق را بر خلاف علاقه و میل باطنی خود پذیرفتند.

البته باید توجه داشت که پذیرش قطعنامه توسط امام به معنای اتمام جنگ نبود بلکه ایشان با این کار، تاکتیک نبرد حق و باطل را عوض کرده و توانستند با آزاد کردن انرژی انقلابی، راه را برای اشاعه اصول آن هموار سازند. (درویشی سه‌تلانی، ۱۳۸۵: ۴۲۵)

انتخاب مقام معظم رهبری و برخی چالش‌ها

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در حالی توسط خبرگان این ملت برای رهبری نظام اسلامی برگزیده شد که کشور آستان حوادث و مشکلات بسیار بود. رحلت امام یک شوک سهمگین به دولت و ملت ایران وارد ساخته بود و دشمنان و بدخواهان نظام، چنگ و دندان‌ها نشان می‌دادند. تأسیسات زیربنایی کشور همچون آب، برق، گاز، مخابرات، راه‌ها، فرودگاه‌ها، خطوط راه آهن، پالایشگاه‌ها و صنایع مادر، در دوران جنگ تحمیلی خسارات فراوان دیده بودند، ذخایر ارزی کشور به پایین‌ترین میزان خود رسیده بود و تأمین نیازهای اساسی و اولیه مردم، تبدیل به یک دغدغه جدی شده بود.

از طرف دیگر اصولاً تغییر و تحول در حوزه قدرت، همواره با مشکلات عدیده‌ای در نظام‌های سیاسی رایج همراه بوده است، اما با ژرف‌نگری‌های امام امت علیه السلام و درایت و اقتدار رهبر معظم انقلاب و حضور میلیونی مردم در مراسم تشییع بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، این عمل در نظام اسلامی با کمترین هزینه انجام شد. در واقع سال ۱۳۶۷، سال شکوفایی و اوج هنرنمایی امام راحل بود. در این سال، امام ضمن ترسیم خطوط کلی سیاست‌ها و

خطامشی جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و بین‌المللی، بن‌بست‌های موجود در اداره کشور را که جز با ید بیضایی و انگشت‌اشارت ایشان قابل حل نبود، گشود تا روند تکاملی انقلاب را تضمین کند.

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ تحمیلی، عزل آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری و ریشه‌کن کردن گروه منحرف انجمن حجّتیّه و مهدی‌هاشمی، تشکیل شورای بازنگری قانون اساسی و اصلاح آن و حذف مرجعیت از شرایط رهبری، از جمله بن‌بست‌هایی بود که می‌توانست هر انقلابی را به زانو در آورد. علاوه بر آنکه با صدور حکم قتل سلمان رشدی و گشایش جبهه فرهنگی اسلام در برابر دنیای غرب، دعوت گورباچف و بلوک شرق به اسلام و تأکید مجدد بر صلاحیت‌های آیت‌الله خامنه‌ای، سیاست‌های کلی نهال نوپای انقلاب را ترسیم فرمودند.

رهبر معظم انقلاب در شرایطی سکان هدایت انقلاب را به دست گرفتند که فضای پیش‌روی ایشان با دوران زعامت امام‌زکریاؑ بسیار متفاوت بود. امام با مرجعیت علی‌الاطلاق و پشتوانه حوزه علمیه قم، مشهد و نجف و با پشتوانه پنج دهه کار علمی، فقهی، آموزشی و پرورشی و با تشکیلاتی قوی و منسجم از روحانیان و دانشگاهیان قدم در راه مبارزه گذاشت و در طول مبارزه علاوه بر سود جستن از پشتوانه مرجعیت، از تلاش‌ها و جانفشانی‌های مریدانی چون طالقانی‌ها، بهشتی‌ها، مطهری‌ها، خامنه‌ای‌ها، مفتح‌ها و... بهره برد که این امتیاز در سال‌های نخستین رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، به رغم تمامی شایستگی‌های ایشان، مهیا نبود و سال‌ها به درازا کشید تا بن‌مایه‌های عمیق علمی و قابلیت‌های شگرف فقهی ایشان به رخ مدعیان کشیده شود.

خطوط کلی رهبری موفقیت‌آمیز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (دام ظلّه العالی)

رهبری موفقیت‌آمیز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان به صورت فشرده در چهار محور ذیل به اثبات رساند:

۱. مدیریت بحران

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مقام معظم رهبری به اعتراف دوست و دشمن، مدیریت عالی و

خلاقانه ایشان در شرایط حساس و بحرانی است. شاید اداره یک جامعه در شرایط عادی، خصوصاً برای مدیران و رهبرانی که از تجربه لازم برای اداره جامعه برخوردار هستند، کار دشواری نباشد اما توانمندی یک مدیر و ساکنان دار کشتی در شرایطی ظاهر می‌شود که در لحظات بحرانی و در میان توفان حوادث، کیان نظام را به سلامت به ساحل مقصود برساند. جنگ اول خلیج فارس و حمله صدام به کویت، یکی از این عقبه‌های سخت و سرنوشت‌ساز بود که با تدبیر و هوشمندی رهبر معظم انقلاب، به سلامت از آن عبور کردیم. در جریان تجاوز صدام به کویت و ورود نیروهای غربی به خلیج فارس و آغاز درگیری‌ها، گروه‌هایی که خود را اهل تحلیل و صاحب فهم و درک عمیق می‌دانستند، با مشاهده شلیک چند موشک اسکاد به اسرائیل، از صدام به عنوان خالد بن ولید دوران یاد کردند و خواستار گشایش جبهه‌ای نظامی به نفع صدام در منطقه شدند تا ناخواسته کشور را در دامی از قبل پهن شده درگیر کنند، اما با هوشیاری و تدبیر رهبری که جنگ صدام و آمریکا را جنگ باطل با باطل نامیدند، انقلاب از دام درگیری با دنیای غرب، آن هم در جبهه حمایت از صدام به سلامت عبور کرد تا هوشمندی و درایت ایشان به رخ مدعیان کشیده شود. این امر را در غائله و شورش عده‌ای خودفروخته در سال ۱۳۷۸ و همچنین فتنه ۸۸ نیز به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

۲. تواناسازی ملت ایران

ایران در طول قریب دو دهه رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به سطح مناسبی از توانمندی رسیده است. توانمندی ایران در پرورش و تربیت نیروهای متخصص کارآمد و فن‌آور در سطح منطقه جزو اولین‌ها به شمار می‌آید؛ به گونه‌ای که اکنون ایران قادر است نیروهای ماهر و متخصص خود را برای کشورهای دیگر صادر کند. پیشرفت و توسعه انسانی ایران در بعد مهندسی و فنی و علوم پایه و بسیاری از رشته‌های پیشرفته دنیا در حد قابل قبولی رسیده است. مرحله دیگر پیشرفت ملت ایران، تولید محصولات فنی و فن‌آوری‌های پیشرفته است. اکنون ایران به غیر از نفت، صادرات زیادی از جمله خودرو و کالای پیشرفته نظامی و... دارد که همگی نشان از مدیریت صحیح کشور در سطح کلان و رهبری آن دارد. از سوی دیگر ایران از نظر رفاه و خدمات اجتماعی و بهداشتی به نرخ قابل قبولی رسیده است. فعالیت

درمانی و بهداشتی ایران در میان کشورهای خاورمیانه حد بالایی را به دست آورده است. جدا از پیشرفت‌های علمی در فنون و ابعاد مختلف، شاخص سلامتی و امید به زندگی نیز در ایران رشد بسیار خوبی داشته است.

تبدیل ایران به کشور هسته‌ای و فتح قلعه‌های رفیع دانش و فن‌آوری، ایران را به رتبه بالای علمی رسانده است. به گونه‌ای که حتی دشمنان ایران نیز از پیشرفت همه جانبه ایران به حیرت افتاده‌اند. به نظر می‌رسد که رهبری خردمندان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده پیشرفت و ترقی ایران به حساب می‌آید.
(www.siasi.Porsemani.ir)

۳. مدیریت و رهبری ارزش‌مدار

نکته قابل توجه در رهبری ایران توسط آیت‌الله خامنه‌ای این است که ایران برای رسیدن به قلعه‌های پیشرفت و توسعه پایدار همواره در خط اسلامی و ارزش‌ها حرکت کرده و برای احراز منافع ملی به ارزش‌های اسلامی پشت نکرده است. بنابراین، مدیریت کشور برای رسیدن به عدالت و رعایت ارزش‌های اسلامی، صیانت و حفاظت از احکام ناب اسلامی قدم‌های جدی و محکمی را برداشته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در میان مسئولان عالی‌رتبه نظام بیشترین دغدغه و اهمیت را برای عدالت و رعایت حال مستضعفان و محرومان داشته است. ولی اگر هنوز به میزان مطلوب عدالت الهی نرسیده‌ایم، به دلیل تقصیر و قصور رهبری معظم انقلاب نبوده است بلکه به علت سطوح برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی در دولت‌های گذشته بوده است.

دولت‌ها، همواره به عدالت توجه می‌کردند اما کلید رسیدن به عدالت را اولویت در توسعه اقتصادی و یا سیاسی می‌دانستند. به همین دلیل در تشخیص اولویت‌ها دقت لازم انجام نمی‌گرفت و در نتیجه هنوز به وضعیت مطلوب از نظر تحقق عدالت نرسیده‌ایم. ولی به دلیل اهمیت و تأکیدی که رهبری درباره عدالت داشتند و دارند، هم اکنون رسیدن به عدالت به صورت یک برنامه جامع در دولت نهم مطرح شده است و به طور قطع در این زمینه به برخی موفقیت‌ها نیز نایل گشته‌اند.

رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تحول‌انگیز، تأثیرگذار، جهت‌دار و همواره با دقت و برنامه بوده است. منش زاهدانه زندگی ایشان نیز علناً و عملاً هم‌نوایی و هم‌دردی صادقانه را با اقشار کم درآمد جامعه ابراز می‌کند.

برخی نوآوری‌ها و درایت‌های رهبری

۱. مدیریت دوران فتنه

دوران به قدرت رسیدن طیفی از تجدیدنظرطلبان در دوره موسوم به «توسعه سیاسی» را باید جز تلخ‌ترین و سخت‌ترین دوران حیات انقلاب اسلامی به شمار آورد. دورانی که بروز و ظهور فتنه‌هایی چون قتل‌های زنجیره‌ای، شبه کودتای ۱۸ تیر، یکه‌تازی مطبوعات زنجیره‌ای و فضای به شدت ملت‌هت‌سیاسی کشور را شاهد بودیم. قصه تلخ قتل‌های زنجیره‌ای با هدف فرمان آتش به سوی نظام طراحی شده بود، واقعه‌ای که به جای ریشه‌یابی، توسط برخی گروه‌های فرصت‌طلب و وابسته، به ریشه‌سازی کشیده شده بود و محوری‌ترین شخصیت‌ها و بنیادی‌ترین نهادهای نظام را با آتش‌باری فریب و خدعه و نیرنگ به مسلخ کشانده بودند.

برخورد هوشمندانه رهبر معظم انقلاب با پروژه‌هایی چون فشار از پایین و چانه‌زنی در بالا و یا پروژه فروپاشی از درون، گواهی دیگر بر برخورد امام‌گونه ایشان با مخاطرات پیش‌روی انقلاب است. معظم له در پاسخ به مدعیان پروژه فشار با صراحت اعلام کردند: «اگر فشار بیاورید حادثه کربلا تکرار خواهد شد نه صلح امام حسن علیه‌السلام» (بیانات مقام معظم رهبری، khamenei.ir) و در پاسخ به سردمداران پروژه فشار و استحاله از درون فرمودند:

اصلاحات در ذات و هویت انقلاب است در حالی که برخی به دنبال نقش‌آفرینی هم‌زمان یلتسینی و گورباچفی هستند. اینها اشتباه اولشان این است که آقای خاتمی، گورباچف نیست. اشتباه دومشان این است که اسلام، کمونسیم نیست. اشتباه سومشان این است که نظام مردمی جمهوری اسلامی، نظام دیکتاتوری پرولتاریا نیست. اشتباه چهارمشان این است که ایران یک‌پارچه، شوروی متشکل از سرزمین‌های به هم سنجاق شده، نیست و اشتباه پنجمشان هم این است که نقش بی‌بدیل رهبری در ایران شوخی نیست. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹: ۱۰ و ۱۱)

تدبیر امام‌گونه رهبر معظم انقلاب در برخورد با شبه کودتای ۱۸ تیر ۷۸، تلؤلؤ دیگری از هنر رهبری و هدایت ایشان است. حادثه‌ای که با طراحی نیروهای خارجی و صحنه‌گردانی اپوزیسیون داخلی و بازیگری گروهی از اراذل و اوباش و تعدادی دانش‌جوینا که بازپچه سیاست‌بازان حرفه‌ای شده بودند، اتفاق افتاد اما با اقتدار و تدبیر رهبری، بساط آن برچیده شد تا آرامش و امنیت به جامعه اسلامی لبخند زند. (ذوعلم، ۱۳۸۵)

در فتنه پیچیده‌تر سال ۸۸ نیز شاهد رهبری هوشمندانه و حکیمانه ایشان بودیم که با کم‌ترین تبعات و خسارت کشتی انقلاب را از این توفان به سلامت عبور دادند.

۲. حادثه ۱۱ سپتامبر

حادثه ۱۱ سپتامبر و متعاقب آن حمله آمریکا به افغانستان و عراق هم از دیگر بحران‌هایی بود که نظام ما به سلامت از آن عبور کرد. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و تشکیل ائتلافی موسوم به ائتلاف ضد تروریست و تعیین محورهای شرارت و شعار «هر که با ما نیست بر ماست» که با هدف ایجاد رعب و وحشت در ملل مسلمان و تغییر مرزهای دنیای اسلام طراحی شده بود و در برهه‌ای که قدرت‌های بزرگی چون روسیه و چین نیز از ترس برخورد، راه مامشات و همراهی را با سواره نظامان صلیبی در پیش گرفته بودند، غرش رعد آسای رهبری در شکستن صفوف جبهه متحد غرب و نشان دادن ریشه تروریسم در زائده چرکینی به نام رژیم صهیونیستی و دولت استکباری آمریکا، بیداری و خیزش دنیای اسلام را در برابر این توطئه شوم به ارمغان آورده است. در آن روزها، چه بسیار افراد وجریان‌های سیاسی بودند که در مسیر امواج اغواگرانه رسانه‌های غربی، برای رفع اتهام از خود و پرهیز از درگیری با آمریکا، پیشنهاد مذاکره و همراهی با لشکرکشی‌های آمریکا را می‌دادند و امروز پس از شکست‌ها و ناکامی‌های مستمر آمریکا در منطقه، سرافکننده از آن همه ترس و وحشت و تحلیل‌های ناروا، سر در گریبان فرو برده‌اند.

۳. صیانت از آرای ملت

صیانت از آرای مردم و حفاظت از حقوق و آزادی‌های مشروع آنان در برابر خودمحموری‌ها و خودکامی‌های گروه‌های سیاسی و دفاع از اقلیت در برابر سلطه‌گری اکثریت، از دیگر هنرهای

بی‌بدیل رهبری است که مانع تمرکز قدرت در یک شخص یا نهاد یا جریان خاص سیاسی شده است؛ حادثه‌ای که بنیان آن در برهه‌هایی از تاریخ انقلاب توسط حزب کارگزاران و سپس حزب مشارکت پایه‌گذاری شد، اما با انگشت اشاره رهبری درهم پیچید.

ارائه تعاریف جدیدی از دموکراسی، مردم‌سالاری، حقوق بشر، جامعه مدنی و ... که در سایه هوشمندی رهبر معظم انقلاب به دست آمده است، هجسه نظری و ایدئولوژیک شیفتگان نظام لیبرال دموکراسی را به یک فرصت تازه برای نظام اسلامی تبدیل کرد تا از بطن آن مفاهیم بلندی چون مردم‌سالاری دینی، جامعه مدنی نبوی و اصول‌گرایی اصلاح‌طلبانه، در خدمت تحکیم مبانی انقلاب اسلامی خلق شود. مروری گذرا بر فراز و نشیب‌ها و تهدید و توطئه‌های صورت گرفته در دو دهه گذشته، گواهی بر این مدعاست که حجاب معاصرت باعث شده تا تنها قطره‌ای از ویژگی‌ها و ظرفیت‌های شگرف حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را با پوست و گوشت خود احساس کرده باشیم.

تسلط و احاطه بی‌نظیر معظم‌له بر اموری همچون مسائل نظامی، تهدیدات دشمنان، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، نیازهای نسل جوان، مطالبات و نیازهای دانشگاه‌ها، بایسته‌های حوزه‌های علمیه، شناخت دغدغه‌های نیروهای انقلاب و درک شایسته از بایسته‌های نظام اسلامی و ... باعث گردیده تا حتی بدخواهان نظام نیز از این همه وسعت و جامعیت و احاطه ایشان بر امور، گاه ناخواسته لب به تمجید و تجلیل بکشایند.

هیچ فرد منصفی نمی‌تواند منکر این مهم شود که دستاوردهای نظام در عرصه‌هایی چون پیشرفت‌های هسته‌ای، موشکی، سلول‌های بنیادی، تولید داروها و واکسن‌های مهارکننده بیماری‌هایی چون ایدز و برخی سرطان‌ها، ترمیم ضایعات نخاعی، دستیابی به فناوری شبیه‌سازی، به راه افتادن نهضت تولید علم و جنبش نرم‌افزاری در حوزه و دانشگاه، دمیده شدن روحیه اعتماد به نفس در جوانان و جوان‌گرایی و ... در گرو دغدغه‌ها و پیگیری‌های مستمر ایشان صورت گرفته است. معظم‌له در جمع دانشجویان کشور به صراحت فرمودند:

اگر بودجه‌بندی کشور در دست من بود، مهم‌ترین چیزی که من به عنوان اولویت اول به آن نگاه می‌کردم، همین مسئله «پژوهش» بود. امروز دنیا به پژوهش به عنوان زیربنای پیشرفت و تعالی یک جامعه نگاه می‌کند. (ذو علم، ۱۳۸۵: ۱۷۸)

۴. فرهنگ‌سازی‌ها

از دیگر ابتکارات تأثیرگذار ایشان، نام‌گذاری سال‌ها به عناوینی همچون سال پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رفتار علوی، حماسه حسینی، سال امام خمینی، پاسخ‌گویی مسئولان، انضباط اجتماعی، خدمت‌گزاری به مردم، عدالت‌خواهی، اتحاد ملی و انسجام اسلامی است؛ نام‌گذاری‌هایی که در واقع یک نوع فرهنگ‌سازی در جامعه اسلامی بوده است.

بازگشت اصول‌گرایان به صحنه قدرت که با تدابیر ویژه و فرهنگ‌سازی‌های مستمر ایشان در قالب گفتمان عدالت‌خواهی و اصلاحات یعنی مبارزه با فقر، فساد و تبعیض صورت پذیرفت، از دیگر تدابیر سرنوشت‌ساز ایشان است که پرداختن به آن مجال وسیع‌تری را طلب می‌کند. آینده‌نگری و پیگیری‌های مستمر و مداوم ایشان باعث شد تا مسئولان نظام، سندی به عنوان سند بیست ساله را تدوین کنند که براساس آن، نظام اسلامی در سال ۱۴۰۴ هجری خورشیدی باید در زمینه علمی، فناوری و اقتصادی به قدرت اول آسیای جنوب غربی (خاورمیانه، آسیای میانه و قفقاز) تبدیل گردد.

از دیگر ابتکارات ایشان، احیای اصل ۴۴ قانون اساسی است که کارشناسان از آن به عنوان یک انقلاب و جهش اقتصادی نام می‌برند. با اجرای اصل ۴۴ از تصدی‌گری دولت در مناصب اقتصادی کاسته شده و بخش خصوصی و تعاونی‌ها، چرخه تولید و تجارت کشور را به حرکت در خواهند آورد.

تدابیر دیگر ایشان در طول هجده سال گذشته با مشکلات و معضلاتی همچون فتنه طالبان و القاعده در افغانستان، کاهش قیمت نفت به زیر ده دلار، پرونده انفجار آمیا، تحریک قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی، گشایش سفره بحران و ناامنی در کشور، تحریم‌های شدید اقتصادی، قطعنامه‌های شورای امنیت، دادگاه میکونوس، کنفرانس برلین، اصلاح قانون مطبوعات، تحصن نمایندگان مجلس ششم، جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان با رژیم صهیونیستی، صدور حکم حکومتی در تأیید صلاحیت مصطفی معین و... نشان می‌دهد که انقلاب چه نگین ارزشمندی را بر رکاب خود نشانده است.

تزریق امید به ارکان دولت و مردم در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط، از دیگر هنرهای

ناب رهبری ایشان در طول ۲۲ سال گذشته بوده است، به گونه‌ای که در بحرانی‌ترین شرایط فرموده‌اند: «من خود را غرق در عنایات و نعمات خداوند متعال می‌دانم. اگر هر مدیر و مسئولی صرفاً کار خود را خوب انجام دهد، دیگر هیچ نگرانی و دله‌راهی ندارم.» (www.farsnews.net)

باید به این نکته توجه داشت که اگر در دهه اول انقلاب و در دوران غربت و تنهایی «دفاع مقدس»، برای حفظ موجودیت و بقای خود می‌جنگیدیم، امروزه سرنوشت منطقه به سرانگشتان ما سپرده شده است و آمریکا و متحدانش که در گذشته‌ای نه چندان دور با تفرعن، از تغییر جغرافیای سیاسی در جهان اسلام و تشکیل خاورمیانه جدید می‌گفتند، اینک از ظهور و تولد خاورمیانه جدید با محوریت ایران اسلامی سخن می‌گویند. ایرانی که زمانی باند مرکزی تروریسم و محور شرارت نام گرفته بود، اینک به محور امید و رهایی آنان از گرداب عراق، لبنان، افغانستان، فلسطین و منطقه خاورمیانه تبدیل شده است.

نتیجه

یک نظام سیاسی، هر اندازه از میزان مشارکت سیاسی مردمی یا مشارکت عمومی بیشتری در اداره امور جامعه برخوردار باشد، به همان میزان از مقبولیت و قدرت نفوذ مردمی بالاتری بهره‌مند خواهد بود. (طاهری، ۱۳۸۲: ۹۹) اکنون اگر در ایران اسلامی باز هم صرفاً یک عده محدود بخواهند مشکلات موجود را حل کنند و توده‌های عظیم بسیج مردمی نادیده گرفته شود علاوه بر اینکه مشکلی حل نمی‌شود، حتی ممکن است وضع بدتر شود و خطر بزرگتری در کمین نظام اسلامی باشد.

انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی که دارای بیش از سه دهه سابقه درخشان است، شاهد پیروزی‌هایی در عرصه‌های مختلف و ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی بوده است. بنابراین چهارمین دهه پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، باید مملو از تحولات عمیق در عرصه‌های گوناگون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. بر این اساس، ضرورت تحلیل آینده انقلاب و چشم‌اندازهای پیش‌روی، بیش از پیش نمایان می‌شود.

اگر عموم مردم ایران بودند که با رهبری‌های داهیانیه و مدیرانه امام امت، باعث پیروزی انقلاب اسلامی شدند، اکنون نیز تنها همان‌ها هستند که می‌توانند با پشتیبانی و اطاعت از منویات رهبری نظام و اصل مترقی ولایت فقیه، در بارور شدن و حفظ و پاسداری انقلاب و نظام اسلامی ایفای نقش کنند. بنابراین آینده انقلاب اسلامی نیز همانند آغاز آن، به شدت وابسته به حضور مردم در صحنه و رهبری‌های داهیانیه و مدیرانه رهبری نظام است. مقام معظم رهبری هدف غایی و محوری انقلاب اسلامی را تحقق تمدن اسلامی بر شمرده و می‌گوید:

خط کلی نظام اسلامی رسیدن به تمدن اسلامی است... این حرکت عظیم نظام اسلامی و حرکت به سمت آن آینده آرمانی که ایجاد تمدن اسلامی است - یعنی تمدنی که در آن علم همراه اخلاق است پرداختن به مادیات همراه با معنویت و دین است و قدرت سیاسی همراه با عدالت است - یک حرکت تدریجی است.
(www.khamenei.ir؛ ۱۳۷۹/۷/۱۴)

ایشان جامعه جهانی اسلامی را که همان جامعه مهدوی خواهد بود چنین ترسیم می‌کنند:

امروز با انقلاب اسلامی ما که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان است انقلاب حضرت مهدی عج یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن انقلاب اسلامی آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد بلکه آن را تسریع هم می‌کند و این است معنای انتظار. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۸۳)

بنابراین آینده انقلاب اسلامی ایران در مسیر تحقق تمدن ایرانی و در نهایت نیل به جامعه مهدوی نیازمند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان و مقطعی است که در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران آمده است. (نصری، ۱۳۹۰: ۲۷۷)

مطابق سند چشم‌انداز بیست ساله که در ۱۷ تیرماه سال ۱۳۸۳ توسط مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای ابلاغ شده است، جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویت اسلامی و انقلابی، الهام‌بخش در جهان اسلام و با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل. تقویت مستمر فرهنگ و روحیه تلاش و کوشش، جدیت و مبارزه با

هرگونه آفات فرهنگی که انسان و جامعه را کسل و ناامید می‌کند، از یک طرف و تلاش برای تبیین و تعیین جایگاه و نقش جدی و سازنده جوانان کشور از طرف دیگر، دو موضوعی است که مقام معظم رهبری نسبت به آنها توجه و تأکید کرده‌اند.

با توجه به این امر که رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز امکان‌پذیر است، می‌توان آن را مسیری برای حرکت قرار داده و یقیناً پیروی از آن، رشد و پیشرفت ایران اسلامی را تسریع خواهد بخشید. (عیوضی، parsine.com)

منابع و مأخذ

۱. اسماعیلی، خیرالله، ۱۳۸۰، *دولت موقت*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۲. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۸، *صحیفه نور*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۳. بی‌نا، ۱۳۸۳، *مجموعه مقالات همایش چالش‌های آینده انقلاب اسلامی*، تهران، معاونت پژوهشی پژوهشکده امام خمینی علیه‌السلام و انقلاب اسلامی.
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای، سایت اینترنتی www.khamenei.ir
۵. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، *مهدویت از منظر ولایت*، اصفهان، حدیث راه عشق.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۷۹، *اصلاحات: راهبردها و خطرهای بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع کارگزاران نظام*، تهران، سروش.
۷. درویشی سه تلانی، فرهاد، ۱۳۸۵، *سیره عملی امام در اداره امور کشور (۱۳۵۷-۱۳۶۷)*، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۸. ذو علم، علی، ۱۳۸۵، *تجربه کارآمدی حکومت ولایی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. ذو علم، علی، ۱۳۷۹، *کارنامه بیست ساله، ولایت فقیه استبداد یا دموکراسی*، تهران،

مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.

۱۰. شاه‌علی، احمدرضا، ۱۳۸۵، *انقلاب دوم، تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، آثار و پیامدها*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۱. صنعتی، رضا، ۱۳۸۵، *مصباح دوستان*، قم، همای غدیر.

۱۲. طاهری، فرهاد، ۱۳۸۲، *مجموعه مقالات همایش چالش‌های آینده انقلاب اسلامی*، تهران، پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی.

۱۳. عیوضی، محمدرحیم، *تحلیلی بر آینده انقلاب اسلامی*، سایت اینترنتی parsine.com

و www.farsnews.net

۱۴. *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۸۶، تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری.

۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۰، *پرسش‌ها و پاسخ‌ها*، قم، نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۱۶. نصری، محسن، ۱۳۹۰، *ایران دیروز، امروز، فردا؛ تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، قم، دفتر نشر معارف.